

۷ دهه

به دنبال سراب صنعتی شدن

■ دکتر ابراهیم رزاقی

ممکن نشد. برای نمونه، صنایع قند کشور کمتر از ۲۰ درصد و صنایع سیمان حدود ۵۰ درصد نیازهای داخلی را تامین می‌کرد.^(۴) در این دوره مانند دوره‌های بعد، توسعه اقتصادی - اجتماعی برگرفته از غرب (صنعتی شدن) نیازهای جدیدی را با توجه به امکانات خارجی پدید می‌آورد. درآمد نفت نیز که پس از تجدید امتیاز «داری» در سال ۱۳۱۲ افزایش بسیاری یافته بود، امکانات ارزی لازم را برای رفع نیاز از خارج فراهم می‌ساخت. این نوع صنعتی شدن موجب گسترش بازار کشورهای صنعتی در ایران شد و درآمدهای نفتی ایران را دوباره به این کشورها بازگرداند. تراز بازرگانی به جز در دوره اشغال ایران از سوی متفقین، با وجود درآمد ارزی نفت همیشه منفی بود.

□ ب - دوره محمد رضا شاه

ویژگی این دوره که پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ آغاز می‌شود، فراهم آمدن امکان ایجاد صنایع مونتاژی یا استقرار آخرین مرحله تولید کالاهای صنعتی در داخل است که به برکت تولید انبوه صنعتی در غرب، شبکه گسترش یافته حمل و نقل دریایی و ارتباطات راه دور و نیز افزایش حجم بازار مصرفی ایران، ممکن شد.

در این دوره که به انقلاب منتهی می‌شود حدود ۴۸۰۰ واحد بزرگ صنعتی (هر کدام با بیش از ۱۰ نفر شاغل) در کشور ایجاد شد که حدود ۲۹۷ هزار نفر در آن به کار اشتغال داشتند.^(۵)

در این دوره و تنها در فاصله ۱۳۵۲-۵۷ حدود ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد نفت، به واردات انواع کالاهای مصرفی، ماشین‌آلات، قطعات یدکی، مواد اولیه و تکنولوژی اختصاص داده شد. با این وجود نیازهای داخلی، گذشته از کیفیت تولید، بیش از تولیدات این صنایع بود و افزایش قیمت‌ها به رغم واردات کالاهای، نشانه چنین وضعی بود. در این دوره، ویژگی صنایع ایجاد شده، علاوه بر مصرفی بودن آن، وابستگی به مواد اولیه خارجی تا حدود ۵۷ درصد و وابستگی به ماشین‌آلات و قطعات یدکی خارجی تا ۸۶ درصد بود.^(۶)

سهم صنعت در درآمد ملی نیز با وجود سرمایه‌گذاری‌های هنگفت، از ۸/۹ درصد فراتر نمی‌رفت.^(۷)

در این مرحله از توسعه صنعتی ایران - پس از اوج «نواستعماری» و رسیدن به «خود استعماری»، واردات ایران از حدود ۱۰۵ میلیون دلار در سال ۱۳۳۲ به حدود ۱۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ و واردات کالا و خدمات به ۲۴/۷ میلیارد دلار در همین سال می‌رسد.^(۸)

تراز بازرگانی ایران که در دوره دکتر مصدق، بدون درآمد نفت (در این دوره، صنعت نفت ایران زیر تحریم کارتل بین‌المللی نفت، هیچگونه صادراتی نداشت) دارای موازنه مثبت بود، در سال ۱۳۵۶ به گونه‌ای دگرگون شد که صادرات غیر نفتی تنها ۴ درصد از کل حجم مبادله تجارت خارجی را تشکیل می‌داد^(۹) و طبیعتاً تفاوت، به وسیله صادرات نفت خام، آن هم در حجم بیش از ۲۰۰ میلیون تن در سال جبران می‌شد.

* ارائه شده در «سمینار نقش و جایگاه صنایع کوچک در توسعه اقتصادی ایران» (آبان ماه ۱۳۷۲).

گرچه پیشینه توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران از راه صنعتی شدن به هفتاد سال پیش و نخستین تلاش‌ها در این زمینه به دوره قائم مقام فراهانی و بویژه امیرکبیر (حدود ۱/۵ سده قبل) بازمی‌گردد، اما صنعتی شدن کشور به شیوه غربی را می‌توان از کودتای ۱۲۹۹ به بعد دانست.

■ غرب به عنوان الگوی توسعه

با دگرگونی صنایع ماشینی غرب در اوایل سده بیستم میلادی، به سر رسیدن دوران استعمار کهن، جایگزینی آمریکا در مقام انگلیس پس از جنگ دوم جهانی، ایجاد شرایط جدید تولیدی از دهه ۱۹۷۰، به ثمر نشستن دوران نو استعمار و بهره‌گیری از وسایل جدید ارتباطی و حمل و نقل بین‌المللی، دوره سومی پدیدار شد که آن را می‌توان «خود استعماری» نامید.^(۱)

در ارتباط با دوره‌های پیش گفته و در انطباق با حل مشکلات اقتصادی اجتماعی کشورهای صنعتی سرمایه‌داری، نظریه‌های جدید توسعه ارائه شد که محور اصلی آن، نظریه‌های توسعه صنعتی بود. در کشورهای جهان سوم، چه زیر تاثیر دوران استعمار و خو گرفتن نخبگان اقتصادی اجتماعی با سازوکار استعماری و چه در دوران نو استعمار با بهره‌گیری از دانش‌آموختگان بومی در غرب و یا تحصیل‌کردگان داخلی با همان محتوای آموزشی، نظریه‌های توسعه‌ای پدید آمد که ایجاد صنایع جدید ماشینی در کشور از راه واردات، محور اصلی آن را تشکیل می‌داد. نقش دولت، چه در کشورهای سوسیالیستی و چه در کشورهای سرمایه‌داری جهان سومی، در اتخاذ چنین الگویی با توجه به نبود بخش خصوصی، نیرومند که بتواند سرمایه لازم را فراهم آورد و یا قدرت سیاسی را با تکیه بر پایگاه اجتماعی خویش به چنگ آورد، حیاتی بود. منتهی در کشورهای جهان سومی، دولت پس از ایجاد واحدهای صنعتی، آنرا به بخش خصوصی منتقل می‌کرد و یا در همان ابتدا کلیه کمک‌های لازم را برای ایجاد صنعت به این بخش ارائه می‌داد.

در جهان سوم، پدیده صنعتی شدن به مفهوم گسترش شهرنشینی، تقلید کورکورانه از غرب و نفی زمینه‌های سنتی و بومی است و این همه، از ضرورت‌های توسعه قلمداد شده است.^(۲)

به این ترتیب همه جا و در هر دوره‌ای، مراجعه به غرب به جای پژوهش داخلی برای حل مشکلات، مورد توجه قرار گرفته و جامعه برای پذیرش نسخه‌های ارائه شده از غرب، تحت فشار قرار گرفته است.

■ روند صنعتی شدن ایران

□ الف - دوره رضا شاه

از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۲۰، حدود ۶۸۰ کارخانه با حدود ۴۵ هزار نفر شاغل در کشور، فعال شد که ویژگی اصلی آنها، تامین نیازهای مصرف داخلی بود.^(۳) گو این که استقرار چنین حجم زیادی از کارخانه‌ها، در دوره‌های پیش از آن نه از نظر ارزی ممکن بود (زیرا درآمد نفت پیش از دوره رضا شاه با توجه به حجم صادرات نفت، اندک بود) و نه از سوی کشورهای صنعتی مجاز بود (در دوره‌های پیش از آن، تنها کالاهای صنعتی از غرب صادر می‌شد و نه کارخانه) اما تامین نیازهای داخلی از این راه

■ در جهان سوم، پدیده صنعتی شدن به مفهوم گسترش شهرنشینی، تقلید کورکورانه از غرب و نفی زمینه های سنتی و بومی است و این همه، از ضرورت های توسعه قلمداد شده است.

■ از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۲۰، حدود ۶۸۰ کارخانه با حدود ۴۵ هزار نفر شاغل در کشور فعال شد که ویژگی اصلی آن ها، تأمین نیازهای مصرف داخلی بود.

■ پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، ایجاد صنایع مونتاز به برکت تولید انبوه صنعتی در غرب، شبکه گسترش یافته حمل و نقل دریایی و ارتباطات راه دور و نیز افزایش حجم بازار مصرف داخلی، در ایران فراهم آمد.

■ ۲۳ میلیارد دلار هزینه وزارتخانه های صنعتی و حدود ۶۳/۳ میلیارد دلار واردات کالا-عمدتاً صنعتی- در ۴ سال ابتدای برنامه اول توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور، خود بیانگر شکاف بزرگ موجود بین امکانات تولید صنعتی و نیازهای مصرفی آن است.

■ با وجود «صنعتی شدن» در یک دوره ۷۰ ساله، نیاز کشور به تولیدات صنعتی خارجی، همواره افزایش پیدا کرده و دامنه کالاهای وارداتی، از چند قلم کالای محدود، به هزاران قلم کالا، مواد و ماشین آلات گسترش یافته است.

چوب و اشیاء چوبی، ۳۵۲ هزار تن کاغذ و مقوا، ۲۰۸ هزار تن الیاف و منسوجات، ۴/۹۷ میلیون تن فلزات معمولی و مصنوعات فلزی و ۳۹۳ هزار تن ماشین آلات و دستگاههای مکانیکی و برقی.^(۱۵) در این فهرست طولانی، اثر صنعت و امکانات آن بر تولید کشاورزی و کانی به دلیل استفاده گسترده از ماشین آلات حتی برای این بخش، قابل مشاهده است. به این ترتیب با وجود «صنعتی شدن» در یک دوره هفتاد ساله، نیاز کشور به تولیدات صنعتی خارجی، همواره افزایش یافته و دامنه کالاهای وارداتی از چند قلم کالای محدود به هزاران قلم کالا، مواد و ماشین آلات گسترش یافته است. از ۳۰۰ میلیارد دلار واردات^(۱۶) در ۲۰ سال گذشته حدود ۲۰۰ میلیارد دلار آن مربوط به سالهای پس از انقلاب بوده، ضمن این که اشتغال صنعتی کشور در صنایع بزرگ، تنها کمتر از نیمی از اشتغال صنعتی کشور را تشکیل می داده است.

■ برخی نتایج «صنعتی شدن»

به دلیل الگوی صنعتی شدن و گرایش به تکنولوژی هر چه پیچیده تر در صنایع، بدون انطباق با شرایط داخلی و امکانات جذب آن، هر چه کشور «صنعتی تر» شده وابستگی بیشتری به بازارهای خارجی از نظر تأمین نیازهای مصرفی خویش پیدا کرده است. توسعه کشور در هر مرحله از «صنعتی شدن» بدون تشخیص علت توسعه نیافتگی و نیاموختن تجربه از ناکامی های گذشته، تنها در گرو واردات بیشتر ماشین آلات و کالاهای صنعتی و تکیه به درآمد نفت دانسته شده و در بهترین حالت، بحران موجود، اندکی تسکین داده شده است.

به این ترتیب توسعه صنعتی همواره برابر با توسعه مصرف، آن هم بر پایه واردات، فرض شده است.^(۱۷)

از ویژگی های صنایع بزرگ ایران در این دوره، افزون بر وابستگی های یاد شده، مصرفی بودن و پیوند نداشتن با دیگر بخش های صنعتی، معدنی، کشاورزی، خدماتی و آموزشی، تمرکز در تهران، اشتغال زایی ناچیز، ارزبری بسیار بالا، نامتناسب بودن تولید در مقایسه با ظرفیت و غیر صادراتی بودن تولید بوده است.

□ پ - بخش صنعت در سال های پس از انقلاب

بخش صنعت در دوره پس از انقلاب، خود به دو بخش پیش و پس از جنگ تقسیم می شود. در هر یک از این دو دوره سیاست های کاملاً متفاوتی برای صنعتی شدن ایران اتخاذ و پیگیری شد اما به دلیل مرده ریگ سال های پیش از انقلاب و آسیب های جدی وارده بر صنایع ایران در دوره جنگ، دگرگونی چندانی در صنایع ایران رخ نداد. اکنون با گذشت حدود پنج سال از پایان جنگ و با حدود ۲۳ میلیارد دلار هزینه که تنها در چهار سال ابتدای برنامه اول توسعه صرف سه وزارتخانه صنایع، صنایع سنگین و معادن و فلزات شده و نیز حدود ۶۳/۳ میلیارد دلاری^(۱۸) که به جز هزینه های این سه وزارتخانه، صرف واردات عمدتاً کالاهای صنعتی شده است، می توان با توجه به هدف این مقاله، وضع صنعت را پس از انقلاب مورد توجه قرار داد. البته توجه به ارقام بالا، خود بیانگر شکاف عظیم موجود بین امکانات تولید صنعتی کشور و نیازهای مصرفی آن است. در سال ۱۳۶۷ که آخرین آمار صنایع کشور اعم از کوچک و بزرگ را در دسترس قرار می دهد جمعاً ۳۰۵/۸ هزار کارگاه صنعتی در کشور وجود داشته که ۲۹۵/۵ هزار کارگاه (۹۶/۶ درصد) آن جزء صنایع کوچک بوده است.^(۱۹)

برپایه همین آمار، در ۱۰/۲ هزار کارگاه بزرگ صنعتی کشور، حدود ۶۴۷/۵ هزار نفر از مجموع ۱/۳۹ میلیون نفر شاغل در کل صنایع کشور (۴۶/۶ درصد) به کار اشتغال داشته اند.^(۲۰)

از ۱۰/۲ هزار واحد بزرگ صنعتی، حدود ۲۷ درصد را صنایع محصولات کانی غیرفلزی به جز نفت و زغال سنگ، ۲۴/۴ درصد را صنایع نساجی، پوشاک و چرم، ۱۴/۴ درصد را صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی و ۱۴ درصد را صنایع مواد غذایی، آشامیدنی ها و دخانیات تشکیل داده اند.^(۲۱)

در سال ۱۳۶۷ در کل صنایع ایران به طور میانگین ۲۱/۳ درصد ارزش مواد مصرفی، مواد اولیه خارجی بوده است. بیشترین وابستگی به مواد اولیه خارجی به ترتیب مربوط به صنایع متفرقه با ۵۳ درصد، صنایع شیمیایی، نفت، زغال سنگ، لاستیک و پلاستیک با ۴۳/۱ درصد، صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی ۳۶/۳ درصد و صنایع تولید فلزات اساسی ۳۲/۷ درصد بوده است. در حالی که صنایع کوچک دارای کمترین میزان وابستگی به مواد اولیه خارجی بوده اند (به جز صنایع کاغذ، مقوا و چاپ با ۴۶/۹ درصد هیچکدام از گروه های صنایع کوچک، وابستگی شان به مواد اولیه خارجی از ۱۹/۳ درصد تجاوز نکرده است) در صنایع بزرگ، بیشترین وابستگی به مواد اولیه خارجی مشاهده می شود (بین ۲ تا ۱۴ برابر صنایع کوچک بسته به رشته صنعتی).^(۲۲)

گرچه آمار مربوط به وابستگی صنایع به ماشین آلات، قطعات و تکنولوژی خارجی در دسترس نیست، اما حجم کلان هزینه های ارزی سه وزارتخانه صنعتی یاد شده و حجم واردات صنعتی، به طور کلی بیانگر وابستگی های عمیق به بازار جهانی در زمینه صنعت است.

در سال ۱۳۶۹ حدود ۱۹/۵ میلیون تن کالا به کشور وارد شد و سهم هر کالا از این رقم به شرح زیر بود: ۵/۷ میلیون تن غلات، ۵۹۰ هزار تن انواع چربی و روغن حیوانی و گیاهی، ۶۷۴ هزار تن قند و شکر و شیرینی، ۴۹۶ هزار تن خوراک دام و طیور، ۴۲۶ هزار تن نمک، گوگرد، خاک سنگ، گچ، آهک و سیمان، ۱/۹ میلیون تن مواد و سوخت های معدنی، ۵۰۰ هزار تن محصولات شیمیایی غیر آلی، ۲۰۶ هزار تن محصولات شیمیایی آلی، ۸۶۰ هزار تن کود، ۴۵۱ هزار تن مواد پلاستیک مصنوعی، ۱۸۶ هزار تن

■ از حدود ۳۰۰ میلیارد دلار واردات کالا در طول ۲۰ سال گذشته، حدود ۲۰۰ میلیارد دلار آن مربوط به سال های پس از انقلاب بوده است.

■ توسعه کشور در هر مرحله از «صنعتی شدن» بدون تشخیص علت توسعه نیافتگی و نیاموختن تجربه از ناکامی های گذشته، تنها در گرو واردات بیشتر ماشین آلات و کالاهای صنعتی و تکیه به درآمد نفت دانسته شده است.

■ هم اینک تنها ۲۵ درصد از فارغ التحصیلان دانشگاه های کشور در رشته مربوط به تخصص خود، به کار اشتغال دارند.

■ مدرک تحصیلی ۲۸ درصد از شاغلین بخش صنعت، هیچ ارتباطی با شغل آنها ندارد و مدرک تحصیلی ۴۵ درصد آنان، از ارتباط مستقیم با شغل شان برخوردار نیست.

■ صنایع ایران در طول هزاران سال و در ارتباط با شرایط زیستی و طبیعی، دارای پویایی فنی بوده و تا اواخر دوره صفویان، این پویایی را حفظ کرده است.

■ توسعه صنعتی کنونی با تکیه بر واردات و ایجاد صنایع بزرگ مصرفی با توجه به تجربه ۷۰ ساله آن، امکان تداوم ندارد.

■ پراکندگی در سیاست گذاری های صنعتی، تجاری، ارزی، مالیاتی و مصرفی کشور، علاوه بر وارد آوردن آسیب های بسیار بر پیکر اقتصاد کشور، نمی تواند پاسخگوی نیاز توسعه صنعتی با تأکید بر صنایع کوچک باشد.

کارکنان تنها حدود ۹۰ هزار نفرشان مزد و حقوق بگیر و حدود ۸۵ درصدشان زن بودند. دلیل این مسأله نیز اشتغال ۸۴ درصد از کل کارکنان در صنایع نساجی و عمدتاً قالببافی بوده که ۹۰ درصد اشتغال زنان را به خود اختصاص می داده است.^(۲۱)

در سال ۱۳۶۵، تعداد کارگاه های صنعتی نقاط روستایی کشور ۱۲۴/۴ هزار کارگاه ذکر شده که حدود ۹۰/۴ درصد آن کارگاه های کوچک بوده است.^(۲۲) در همین سال تعداد خانوار های درگیر با صنعت خانگی در نقاط روستایی کشور ۴۰۰/۶ هزار خانوار ذکر شده که ۳۱۹/۷ هزار خانوار و یا ۷۹/۸ درصد آن دارای کارگاه های قالی، قالیچه و گلیم بافی بوده اند.^(۲۳)

■ توسعه صنعتی و وضع کنونی بخش صنعت در کشور بدیهی است توسعه صنعتی واقعی کشور تنها مربوط به عرصه صنعتی نیست. چرا که:

۱- توسعه صنعتی کنونی با تکیه بر واردات و ایجاد صنایع بزرگ مصرفی با توجه به تجربه هفتاد ساله آن، امکان تداوم ندارد و دلیل آن، علاوه بر ارزیابی شدید، ناتوانی در رفع نیازهایی است که خود موجبات رشد گسترده تر آن را فراهم ساخته است.

۲- سه بخش صنعتی کشور، هر کدام برخورد مناسبی را می طلبند. اگر صنایع کوچک روستایی علاوه بر اشتغال زایی و کمک به اقتصاد خانوار

برونزا بودن دیدگاه توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور، به ایجاد شهرهای بزرگ و جذب نیروی کار و سرمایه دیگر نقاط شهری و روستایی کشور به سوی آنها انجامید. آنگونه که حدود نیمی از صنایع وارداتی در تهران برپا شد.

این مسأله در عین حال به روحیه کار تولید، کسب دانش و مهارت های انسانی آسیب های جدی رساند. تا آن جا که امروزه تنها ۲۵ درصد از «فارغ التحصیلان دانشگاه های کشور در رشته مربوط به تخصص خود، به کار اشتغال دارند. مدرک تحصیلی ۲۸ درصد از شاغلین بخش صنعت، هیچ ارتباطی با شغل آنها ندارد و مدرک تحصیلی ۴۵ درصد آنان نیز از ارتباط مستقیم با شغل شان برخوردار نیست.»^(۱۸)

■ شیوه صنعتی شدن

سرزمین ایران از دیرباز دارای فعالیت های صنعتی بوده و متناسب با هر دوره ای، این فعالیت بطور درونزا تحول یافته و تا حدود اواخر دوره صفویان که همزمان با آغاز دوره ماشینی در اروپا است در مرتبه بالای جهانی قرار داشته است. صنایع ایران شامل سفال سازی، شیشه سازی، معماری، گچ بری، تزئین، منبت کاری، آجرکاری، کاشی کاری، مجسمه سازی، سنگ تراشی، فلزکاری، کارهای چوبین و چرمین، منسوجات (نخی، پشمی و ابریشمی)، نقاشی (بر دیوار، کتاب، بر فلز، بر پارچه، بر چرم)، تولید کاغذ، تذهیب و صحافی، فرش و گلیم بافی بوده به قولی سه ویژگی عمده داشته است:

۱) رنگ آمیزی و هم آهنگی. ۲) کار طبق نقشه. ۳) سادگی.^(۱۹) صنایع ایران در طول تاریخ چند هزار ساله خود در ارتباط با شرایط زیستی و طبیعی و خلق و خوی ایرانی و در تاثیر پذیری و تاثیر گذاری بر کشورهای اطراف، دارای پویایی فنی بوده و تا اواخر دوره صفویان، این پویایی را حفظ کرده است.

اما پس از این دوران، با سیری رو به زوال، اندک اندک جنبه تدافعی به خود گرفته و سپس پویایی خود را از دست داده و در ۷۰ سال اخیر به طور عمده، آگاهانه و ناآگاهانه با سنتی، عقب مانده و غیر اقتصادی تلقی شدن، از سوی نظریه پردازان توسعه و سیاست گذاران، زیر تاثیر ویرانگر واردات و دگرگونی نیازهای مصرفی کشور قرار گرفته است. این صنایع که در طول تاریخ کهن ایران با حرکتی پویا همه نیازهای کشاورزی، صنعتی، ارتباطات و مصرف خانگی کشور را برطرف می کرد، مهم ترین پایگاه های آموزشی صنعتی نیز محسوب می شد.

رنگ آمیزی و هم آهنگی دید و ذوق هنری، کار طبق نقشه فعالیت های دقیق ذهنی و سادگی با آرایش بسیار، گذر از ساده به پیچیده صنعت کار را آموزش می دهد و همین امر با توجه به اشتغال بالای جمعیت در صنایع دستی و کوچک و گستردگی فعالیت های صنعتی در شهرهای کوچک و روستاها بین کشاورزان در اوقات غیر کشاورزی فضای صنعتی در جامعه را، تقویت می کند.

صنایع را بر حسب تکنولوژی می توان به دو گروه صنایع دستی و صنایع ماشینی تقسیم کرد. صنایع ماشینی نیز می تواند خود به دو گروه کوچک و بزرگ تقسیم شود. ملاک تفکیک صنایع کوچک از بزرگ، تعداد کارکنان (بین ۴ تا ۵۰ نفر) و بکارگیری ماشین آلات در فرآیند تولید دستی است.^(۲۰) واحدهای صنعتی دارای بیش از ۵۰ نفر کارکن و ماشین آلات جدید، در این نوع تقسیم بندی جزو صنایع بزرگ به شمار می روند.

در آمارگیری سال ۱۳۶۷ حدود ۲۹۵/۵ هزار کارگاه صنعتی و یا ۹۶/۶ درصد کل کارگاه های صنعتی کشور را، صنایع کوچک تشکیل می داد که ۶۴۷/۵ هزار نفر و یا ۴۶/۶ درصد از میزان اشتغال در کارگاه های صنعتی کشور را به خود اختصاص داده بود. این ارقام، اهمیت اشتغال تولیدی این واحدها را در کشور به خوبی نشان می دهد. اما آماري که از صنایع کوچک روستایی در سال ۱۳۵۳ تهیه شد، تعداد این کارگاهها را ۱/۲ میلیون واحد با حدود یک میلیون نفر شاغل اعلام می کرد. از این تعداد

عنوان عامل اصلی مصرف‌گرایی، رشد بخشهای غیر تولیدی و پذیرش تهاجم فرهنگی غرب عمل کرده است. رها کردن الگوهای مصرفی غرب و ایجاد الگوهای متناسب مصرف داخلی با توجه به امکانات تولید واقعی کشور، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

هماهنگی واردات با نیازهای واقعی تولید و ایجاد امکان برای رشد صنایع کوچک در روستاها و شهرهای کوچک، همچنین از رشد جمعیت شهرها و خالی شدن روستاهای کشور جلوگیری می‌کند.

■ زیر نویس:

۱) «تکنولوژی و توسعه در سومین انقلاب صنعتی» ویراستاران، رافائل کابلینسکی - چارلز کوبر، ترجمه جمشید زنگنه، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ یکم، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۱-۶۲.

اصطلاح خوداستعماری از این منبع گرفته شده است:

1) L'occidentalisation du mon de, serge Latouche, LA Decouncerte, paris 1989, p72

2) L'occidentalisation du monde. p.71-83

۳) اقتصاد ایران، ابراهیم رزاقی، نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۷۱، صفحه ۱۸.

۴- همان.

۵) همان، ص ۳۸۴-۳۸۱.

۶) همان، ص ۴۰۵-۴۰۰.

۷) همان، ص ۴۲۰.

۸) همان، ص ۲۴۷-۲۵۲.

۹) همان، ص ۶۱۵ (صنعت و معدن).

۱۰) همان، فصل هشتم، صنعت و معدن.

۱۱) سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۷۰، ص ۳۲۱.

۱۲) همان، ص ۳۲۲.

۱۳) همان، ص ۳۲۱.

۱۴) همان، ص ۳۲۸.

۱۵) همان، ص ۴۶۸-۴۶۵.

۱۶) روزنامه کیهان، ۱۳۷۲/۸/۴.

۱۷) «ضرورت تحول در مدیریت توسعه اقتصادی کشور» ابراهیم رزاقی، دوماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۵۵-۵۶، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱.

۱۸) روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۲/۷/۲۷.

۱۹) «تاریخ صنایع ایران» دکتر ج کریمتی ویلسن، برگردان: عبدالله فریاری، انتشارات فرهنگسرا، چاپ دوم ۱۳۶۶، ص ۱۴-۳.

۲۰) بررسی تحقیقی: نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی و صنعتی، سازمان صنایع کوچک، وزارت صنایع.

۲۱) «آمار کارگاههای کوچک صنعتی روستایی» سال ۱۳۵۳، مرکز آمار ایران، اردیبهشت ۱۳۵۹، ص ب و ا.

۲۲) «فرهنگ روستایی» مرکز آمار ایران، تیر ماه ۱۳۶۹، ص ۱۳.

۲۳) همان.

۲۴) اقتصاد ایران، فصل یازده و دوازده، بازرگانی داخلی و بازرگانی خارجی.

۲۵) «بررسی تحقیقی: نقش کوچک در توسعه اقتصادی و صنعتی کشور»، وزارت صنایع، سازمان صنایع کوچک.

۲۶) الگوی برای توسعه اقتصادی ایران، ابراهیم رزاقی، چاپ دوم ۱۳۷۰، ص ۱۹۵-۲۰۰.

۲۷) «توسعه تکنولوژی، منافع ملی» ابراهیم رزاقی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۴۲-۴۱، بهمن و اسفند ۱۳۶۹.

۲۸) «بررسی تحقیقی: نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی کشور»، وزارت صنایع، سازمان صنایع کوچک.

۲۹) «راهبردهای توسعه منابع انسانی (نگرش کابلان)»، سیزدهمین کنفرانس وزرای کار منطقه آسیا و اقیانوسیه - تهران، اول اردیبهشت ۱۳۷۲، فصلنامه هماهنگ، مهر ۱۳۷۲.

روستایی و تبدیل مواد اولیه موجود در روستاها به کالاهای ارزشمند، تداوم زندگی روستایی و کار کم درآمد زراعی و دامی را ممکن می‌سازد، صنایع کوچک و جدید می‌تواند علاوه بر ایجاد اشتغال، در تولید کالاهای جدید با تکیه بیشتر به امکانات داخلی و محلی چه از نظر مواد، ماشین آلات و نیروی کار ماهر نقش داشته باشد و در عین حال، به عنوان صنایع اقماری صنایع بزرگ عمل کند.^(۲۵) صنایع بزرگ نیز با برقراری پیوند با یکدیگر و حرکت در جهت رفع نیاز صنایع کوچک به ماشین آلات و مواد اولیه از یک سو و تمرکز بر رفع نیازهای کشاورزی با استفاده از امکانات داخلی از سوی دیگر می‌تواند ستون فقرات بخش های صنعت، کشاورزی، حمل و نقل و ارتباطات کشور را تشکیل دهد.

۳- گذشته از وضع موجود صنایع و ضرورت پرداختن به آن، تعیین محور حرکت برای صنایع بزرگ کشور، با هدف تبدیل مواد خام به کالاهای ساخته شده و حضور در بازارهای جهانی ضروری است. در این راستا، صنایع نفت، گاز و پتروشیمی می‌تواند مورد تاکید قرار گیرد و طیف گسترده‌ای از صنایع کوچک جدید را در جهت تولید کالاهایی با منشاء پتروشیمی برای مصرف در داخل بویژه برای صادرات، تغذیه کرده و یا به ایجاد آن یاری رساند. به این ترتیب، صنایع سنگین در زمینه تولید کلیه فرآورده‌های پتروشیمی فعال شده و چنین فعالیتی، هدف اصلی توسعه صنعتی قرار می‌گیرد.^(۲۶)

۴- دگرگون ساختن دید توسعه صنعتی در کشور، ضرورت موفقیت در دستیابی به توسعه درونزا است. همچنین ایجاد انگیزه برای کسب دانش و فن و دستیابی به مهارتهای ضروری برای توسعه تکنولوژی در داخل، از جمله اقدامات لازم برای صنعتی شدن کشور به شمار می‌رود.^(۲۷)

۵- توجه ویژه به صنایع کوچک - اعم از دستی و جدید در شهر و روستا - برای ایجاد اشتغال گسترده، ضرورتی تام دارد. اگر صنایع کوچک روستایی می‌تواند مکمل کار کشاورزی بوده و امکان توسعه درونزای روستاهای کشور را فراهم آورد، صنایع کوچک جدید به دلیل دسترسی شهرها به امکانات جدید صنعتی، می‌تواند علاوه بر اشتغال تولید، با مدیریتهای مناسب در تولید برخی کالاهای صنعتی و یا تولید بخشی از یک کالا، با صرفه‌تر از صنایع بزرگ عمل کند.^(۲۸) علاوه بر عامل اشتغال و افزایش درآمد خانوارهای روستایی، بدلیل پراکندگی روستاهای ایران، صنایع کوچک می‌تواند مهمترین وسیله پرورش ذوق هنری، تقویت خلاقیتها و آموزش روستاییان باشد. این امر، خود از عوامل مهم ارتقاء فرهنگ کار و توسعه نیروی انسانی خواهد بود.^(۲۹)

تاکید بر صنایع کوچک دستی روستایی، بدون امکان پذیر کردن بویایی از طریق توسعه تکنولوژی متناسب و انطباق آن با شرایط زندگی امروز، قابل دوام نیست. البته با کار فرهنگی تا حدودی می‌توان روحیه ارزش گذاری به زیباشناسی ایرانی را احیاء کرد و به این وسیله، به بسیاری از صنایع دستی و سنتی کشور، امکان ادامه حیات بخشید. نکته دیگر اینکه با تاکید بر صنایع کوچک، بویژه صنایع جدید، چگونگی رفع نیازهای این صنایع به مواد اولیه، ماشین آلات، قطعات و... مطرح است که در صورت ناممکن بودن تولید داخلی آنها، ناچار به بازارهای خارجی توجه می‌شود که در چنین وضعی، نوعی از وابستگی به خارج با نوعی دیگر، جایگزین خواهد شد.

۶- به نظر می‌رسد پراکندگی کنونی در سیاست‌گذاریهای صنعتی، تجاری، ارزی، مالیاتی و مصرفی کشور، علاوه بر وارد آوردن آسیب‌های بسیار بر بیکر اقتصاد کشور، نمی‌تواند پاسخگوی نیاز توسعه صنعتی با تاکید بر صنایع کوچک باشد. وحدت سیاست گذاری و توجه به محور اصلی توسعه در کلیه تصمیمات، از ضرورت‌های توسعه صنعتی واقعی است. نظام مالیاتی ناتوان، در شرایط تسلط سرمایه‌های تجاری و انگلی بر اقتصاد کشور و عدم تمایل بیشتر صاحبان سرمایه به سرمایه گذاری در بخش های تولیدی، همیشه مانع بزرگی در برابر رشد صنعت بوده است.

در این میان، واردات به شکلی که در هفتاد سال گذشته انجام شده، به